

ادامه جنبش دانشجویی ...

مسیر خود را از خاتمی و یارانش جدا نمود. اکنون در دوره‌ای هستیم که اعتراضات عمدتاً صنفی و گاه سیاسی دانشجویان، شتاب بیشتری یافته و این جنبش به طور عمده از بند اصلاح طلبان رها شده و بخش قابل توجهی از تشکلهای و نشریات دانشجویی، دارند شخصیتی مستقل میابند و زبانشان در بیان آزادی رسا و رساتر میشود. سرکوب خشن این اعتراضات و ترس کنونی مقامات رژیم از دانشجوی و لولوی "تهاجم فرهنگی" شاهد زنده یک تغییر فاز جدی به سوی آزادیخواهی و سکولاریسم در میان قشر روشنفکر و دانشگاهی است. ویژگی دوره کنونی و اهمیتش از یکسو در شکست و یا حداقل ضعف و فتور گرایش اسلامی از همه نوع آن و از سوی دیگر پیروزی نسبتاً محرز

طرح خواسته‌های اجتماعی سیاسی و آلام مردم است که به مثابه پل ارتباطی این جنبش با دیگر جنبشهای اجتماعی عمل میکند.

گرایش دموکراسی طلبی و آزاد اندیشی است. شکی نیست که تشکل پذیری و هماهنگی در جنبش دانشگاه به نسبت دوره‌های پیشین، هم به دلیل فعل و انفعالات سیاسی و هم به دلیل رشد ارتباطات، از پیشروی و بهبودی قابل ملاحظه برخوردار است. اما آنچه در یک کشور استبداد زده به جنبش دانشجویی

زنان و مجلس هفتم

فریبا محمدی

در حالی که عمر مجلس ششم شورای اسلامی ربه اتملر است، تنش میان جناحهای درون حاکمیت افزایش یافته و هرکلمدر تلاشند تا سهم بیشتری را به دست بیاورند. جناح اصلاح طلب رژیم که امیدی برای به دست آوردن اکثریت کرسیهای مجلس ندارد، این بار میخواهد تا با شرکت زنان در انتخابات مجلس هفتم برای خود مشروعبیتی کسب کند. اصلاح طلبان اینبار میخواهند با این ترفند، آرای زنان را برای خود به دست بیاورند.

در طول حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، حضور فرمایشی زنان در مجلس، تنها به منظور مشروعبیتی برای رژیم بوده تا از این طریق خود را در افکار عمومی جهانی به عنوان رژیمی مدافع حقوق زن جلوه دهد. در زمینه مشارکت بیشتر زنان در انتخابات مجلس هفتم، نایب رئیس مجلس گفته است: "به طور کلی تمایل به شرکت در انتخابات در زنان بیشتر از مردان است. البته زنان خواسته های خود را دارند و به طور کلی از یک حالت انزواطلبی خارج شده‌اند، چرا که در جامعه بدبینی نسبت به مشارکت سیاسی زنان تبدیل به یک حالت خنثی شده است."

زهر شجاعی نیز در این باره میگوید "سرعت تحول در دنیاى زنان بیش از دنیاى مردان بوده و خواسته‌های آنان متنوع‌تر از قبل شده است، چرا که مسئله زنان تبدیل به یک مسئله جدی گردیده است." اما زنان از این که فقط در انتخابات مطرح باشند، نگرانند. در ایران اسلامی، هیچگاه انتخابات به صورت مردمی و دمکراتیک برگزار نشده است و زنان نیز که نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند، هیچگاه نتوانسته‌اند در انتخابات خود را به شیوه دمکراتیک کاندید نمایند. اگر هم نتوانسته‌اند در مجلس حضور یابند، تنها جنبه سمبلیک داشته، و گرنه به عنوان یک زن، هیچگاه قدرت تغییر در قوانین متحجرانه رژیم اسلامی را نداشته‌اند.

اگر امروز در ایران شاهد حضور زنان در عرصه‌های گوناگون هستیم، این را نمیتوان به برکت و لطف رژیم جمهوری اسلامی دانست، بلکه این برخاسته از آگاهی و مبارزه زنان در طول این چند ساله بوده که همواره قوانین رژیم را به مصادف طلبیده‌اند. رژیم جمهوری اسلامی از دوری کل آمدنش، به ضدیت با زنان پرداخت و آنان را به گوشه‌خانه کشاند، اما زنان علی رغم فشارهای شدید و همه جانبه، با حضور خود در همه عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به مبارزه با این قوانین و فرهنگ مردسالارانه پرداختند. در زیر خفقان سیاه و استبداد رژیم، هستند زنان بسیاری که خود را ارتقا داده و نتوانسته‌اند در سطوح مختلف، جایگاه و مقامی به دست بیاورند.

رژیم جمهوری اسلامی که نمی توانست حضور فعال زنان را ندیده بگیرد، پست و مقام‌هایی را به آنان تفویض کرد تا جنبش زنان را از مسیر منحرف نماید. حضور زنان در مجلس شورای اسلامی دقیقاً در راستای این سیاست بود.

پس اگر اصلاح طلبان اکنون به جنب و جوش افتاده‌اند تا در لیست کاندیداتوری خود اسامی زنان بیشتری را بگنجانند، باید بدانند که این نوع ترفندها نیز به شکست کشیده میشود، زیرا مردم ایران و به خصوص زنان آزادیخواه بر این امر واقفند که مجلس با هر ترکیبی که باشد، نخواهد توانست گامی برای احقاق حقوق زنان بردارد و تا هنگامی که قوانین زن ستیز رژیم اسلامی پابرجاست، شرکت زنان در مجلس نمیتواند تغییری در واقعیت قانونی فرودست بودن زنان ایجاد نماید.

زنان در ایران در هر پست و مقامی که باشند از نظر قانونی با مردان نابرابرند و چه نماینده مجلس باشند و چه خانه‌دار، نصف مردان لرت میبرند، حق طلاق ندارند، حق قضاوت ندارند، بدون اجازه پریا شوهر حق خروج از کشور را ندارند. تحریم انتخابات مجلس هفتم شورای اسلامی از سوی زنان و همه آحاد جامعه ایران، مشت محکمی است بردهان همه جناحهای رژیم جمهوری اسلامی.

جایگاه خاصی می بخشد، میزان پیوند این جنبش با خواسته‌های مرحله‌ای و عمومی مردم است. هر اندازه این جنبش توانسته باشد آرزو و امیال مردم کوچه و بازار و ستمدیده را با خود تداوی کند، به همان میزان بر وزن و سنگینی و تداوم آن افزوده میگردد. به زبان دیگر این نه خواسته‌های صنفی بلکه خواسته‌های سیاسی این قشر است که نگاه و حمایت توده‌ی عظیم مردم ایران را متوجه آنان نموده و مبارزاتشان را ارج میگذارد. طرح خواسته‌های اجتماعی سیاسی و آلام مردم است که به مثابه پل ارتباطی این جنبش با دیگر جنبشهای اجتماعی عمل میکند. اگر به تاریخ نیم سده اخیر جنبش دانشجویی در ایران بنگریم، به روشنی متوجه خواهیم شد که قدرت، توان، منزلت و تداوم این جنبش به طور عمده در سیاسی بودنش نهفته است. در نتیجه برای گذر از دوره کنونی و گام نهادن به پیش، باید در فکر تعمیق ارتباط و پیوند مبارزات دانشگاه با مبارزات اقشار و طبقات ستمدیده، هم به لحاظ سیاسی و شعارهای روز بود و هم ارتباط ارگانیک و حضوری دانشگاهیان با مردم کوچه و بازار را گسترش داد. از نظر ما این نه تنها یک وظیفه عاجل، بلکه راهی است که دانشگاهیان را با صدها رشته به اجتماع پیوند میدهد و ریشه‌های گرایش آزادیخواهی را آنچنان در اعماق مستحکم مینماید که سرکوب و خلاصی از تأثیرش برای دشمن کار آسانی نخواهد بود. این طریقی است که در جدال کنونی پیروزی بر تاریک اندیشان و اسلاميون "اصلاح طلب" را تثبیت میکند و امکان پیشرویهای آتی را فراهم مینماید و "اتحاد، اتحاد، دانشجوی اتحاد" را متحقق و ممکن میگرداند و تداوم و تثبیت دستاوردهای تاکنونی را میسر میسازد. این به هیچوجه به معنای نفی مبارزات صنفی دانشجویان نیست، بلکه تأکید بر این حقیقت است که در دوره کنونی و در مبارزات دانشجویی سیاسی بودن جنبش است که به آن وزن و جایگاه میبخشد و موجبات پیشروی را فراهم می‌آورد.

پیش به سوی تشکیل یک جبهه‌ی متحد کردستانی



اخبار کردستان

وضعیت کشت و صنعت مهاباد

شرکت کشت و صنعت مهاباد از اولین سال تاسیسش وابسته به بانک صادرات بوده است. دو سال قبل شرکت سرمایه‌گذاری "سبز" که شرکتی بسیار ثروتمند و با نفوذ در دستگاه‌های دولتی میباشد و در بیرون کردستان و مرکز آن در تهران قرار دارد، شرکت کشت و صنعت مهاباد را خریداری کرده و مالک شرکت مذکور گردید.

شرکت سرمایه‌گذاری سبز یکی از کشت و صنعت‌های بزرگ ایران است که مالک اکثر شرکت‌های کشت و صنعت کشور بوده و مرکز آن کشت و صنعت دشت مغان میباشد. مسئولان این شرکت که خود را وابسته به دولت نمی‌دانند و همگی از سهامداران مربوط به بخش خصوصی هستند. در چند سال گذشته و تا یک ماه پیش بحث از ورشکستگی و متضرر شدن کشت و صنعت مهاباد را به میان آورده‌اند و هر بار در جلسه‌ها به بحث در مورد اخراج و بازخرید کردن کارمندان و کارگران این شرکت می‌پردازند و دلیل تمامی این اظهارات را ورشکستگی کشت و صنعت قلمداد می‌نمایند.

کشت و صنعت مهاباد از ۵ بخش که هر بخش کارگر و کارمند جداگانه خود را داراست تشکیل شده و در مجموع ۸۰۰ کارگر و کارمند به طور رسمی مشغول به کار هستند. این ۵ بخش عبارتند از: ۱- مجتمع دامداری ۲- مجتمع هما مرغ ۳- سردخانه زمزم ۴- خوراک دام و طیور ۵- کارخانه جوجه کشی. آنچه در این میان جای تعجب است اینکه چرا در میان تمام کشت و صنعت‌های مناطق مختلف ایران فقط کشت و صنعت مهاباد در حال ورشکستگی و نابودی میباشد؟ چرا بیش از دوماه است که مسئولان شرکت سبز به بخشی از کارگران و کارمندان فشار آورده‌اند که یا خود را باز خرید نمایند و یا با حداقل امکانات از کار بیکار خواهند شد؟

مدیرعامل کشت و صنعت میگوید که این اقدامات در راستای خصوصی سازی از جانب دولت است و باید تعدیل نیرو کنیم تا بتوانیم حقوق کارمندان و کارگران را پرداخت کنیم وگرنه مجبور به واگذاری شرکت به بخش خصوصی هستیم. جالبتر از همه اینکه شرکت کشت و صنعت مهاباد چند سالی است که به شرکت سبز واگذار شده و آنهم شرکتی غیر دولتی است، پس خصوصی سازی به چه معنی میباشد؟

تمامی کسانی که از وضعیت کشت و صنعت آگاهی دارند، به خوبی میدانند که کشت و صنعت مهاباد در تولید گوشت و مرغ و خوراک دام و طیور خیلی موفق بوده و تولیداتش در سطح کشور مطرح است. چرا میخواهند این مرکز بزرگ تولیدی را در کردستان تعطیل و ۸۰۰ کارگر را بیکار نمایند؟ مسئول جواب به این سوال و صدها سوال دیگر کیست؟ مردم زحمتکش کردستان و مخصوصاً مردم

ساعات پخش:

روز	۱	۴۹ متر برابری با ۶۸۱۰ کیلو هرتز
شب	۹	۶۵ متر برابری با ۴۶۱۵ کیلو هرتز
صبح	۷	۷۵ متر برابری با ۳۹۳۰ کیلو هرتز

بر روی طول موج کوتاه ردیف‌های

راديو صدای کومه‌له

بی‌اعتنایی

اهالی روستای "وله‌زیر"

به اقدامات رژیم

بنا به خبری که از مریوان به دستمان رسیده است، مزدوران رژیم روز دهم آذر ماه و به بهانه هفته بسیج به روستای "وله‌زیر" از توابع مریوان رفته و در مسجد روستا تجمع می‌کنند.

فرمانده بسیج کانی دینار که شخصی است به نام جمال از طریق بلندگوی مسجد روستا از مردم روستای "وله‌زیر" میخواهد تا برای گرامیداشت هفته بسیج در مسجد روستا حاضر شوند.

اما مردم روستا با بی‌اعتنایی نسبت به سخنان فرمانده بسیج کانی دینار و با عدم حضور در مسجد، مشت محکمی بر دهانشان میکوبند و مزدوران رژیم با سرافکنندگی روستا را ترک می‌نمایند.

گفتنی است که مزدوران رژیم هرساله تلاش میکنند تا به بهانه هفته بسیج مراسم‌های مختلفی را برگزار کنند و خبرهای رسیده از همه مناطق کردستان حاکی است که امسال نیز همچون سال‌های قبل بجز اعضای بسیج کسی حاضر به شرکت در این مراسمها نبوده است.

کشته شدن زنی

در سنندج

بنا به خبری که از شهر سنندج به دستمان رسیده، روز دوشنبه ۱۰ آذر ماه زنی به اسم شمسبی شریعتی به دلیل اختلاف خانوادگی در خیابان فرح به قتل رسیده است. ماضن محکوم کردن این جنایت، چنین اعمالی را ناشی از وجود فرهنگ مردسالارانه و مذهبی در جامعه میدانیم و رژیم جمهوری اسلامی را در بسط و گسترش چنین فرهنگ مرتجعانه‌ای مقصر میدانیم.

ادامه وضعیت کشت و ...

مهاباد به خوبی به دسیسه‌های رژیم آگاه هستند و با هوشیاری کامل باید مانع اجرای سیاست‌های رژیم در کردستان شوند.

اخاذی از مردم سنندج

تحت نام کومه‌له

بنا به خبری که از سنندج به دستمان رسیده، زن و مردی مریوانی که دارای دو فرزند پسر هستند، مدتی است که در شهر سنندج تحت نام جمع آوری کمک برای کومه‌له از مردم پول دریافت نموده‌اند. بدین وسیله اعلام میداریم که هیچ کس فریب آنها را نخورد و در عین حال به خود آنان ابلاغ میداریم که در اسرع وقت مبالغ پول دریافتی را به صاحبانشان برگردانند و در غیر اینصورت کومه‌له اقدامات مقتضی را در حقشان اعمال میکند و نام آنها را نیز در سطح همه کردستان علنی خواهد نمود.

تیراندازی نیروهای رژیم

در مرز بانه

بنا به خبری که از منطقه بانه به دستمان رسیده است، شامگاه سه شنبه ۴ آذر ماه جاری نیروهای انتظامی مستقر در نقطه مرزی چومان به بهانه رفت و آمد کول‌کشان و کاروانچیان اقدام به تیراندازی به طرف مرز می‌نمایند که ساکنان اینطرف مرز نیز با شلیک گلوله به آنها پاسخ میدهند.

نیروهای انتظامی که با باجگیری از همین کاروانچیاها و کولکشان، میلیونر شده و با پول این قشر زحمتکش صاحب مال و ثروت زیادی گردیده‌اند، همراه جان چند نفر از کولکشان را می‌گیرند و یا آنانرا زخمی و نقض عضو می‌کنند.



ادامه اخبار کردستان



به قتل رسیدن جوانی ورزشکار در

کرمانشاه

بنا به خبری که از کرمانشاه به دستمان رسیده است، روز سه شنبه ۱۱ آذر ماه جوانی به اسم فواد گلی فرزند رمضان که از ورزشکاران شناخته شده می باشد در روستای "کلوجه" توسط دو نفر مزدور به نامهای الماس کلوجه و علی حیدر به قتل رسیده است و تاکنون دلیل به قتل رساندنش مشخص نیست. فواد گلی ورزشکاری محبوب و خوشنام در میان مردم منطقه بود و مرگ نامبرده باعث ناراحتی و اندوه زیادی در میان مردم منطقه شده است. قابل ذکر است که قاتلان هردو در زندان کرمانشاه زندانی میباشند.

فشار نیروهای سرکوبگر

در روانسر

بنا به خبری که از روانسر به دستمان رسیده است، مدتی است که نیروهای سرکوبگر رژیم به اذیت و آزار روشنفکران و جوانان و خانواده هاییشان در این شهر دست زده اند. در این حرکات غیر انسانی فردی خودفروش و بدنام به اسم حاج الیاس که از مهره های اطلاعات نیز می باشد بیشترین نقش را ایفا نموده است. فشار نیروهای سرکوبگر رژیم بر مردم شهرهای کردستان سیاستی است وحشیانه که نشان دهنده اوج عجز و ناتوانی رژیم در کردستان است.

کوهپیمایی به یاد محمد اوراز در سقز

بنا به خبری که از شهر سقز به دستمان رسیده، چند روز پیش به



یاد محمد اوراز، کوهنورد نامی کرد که چند ماه پیش در یک حادثه کوهنوردی جان خود را از دست داد، کوهپیمایی بزرگی در سقز ترتیب داده شد که از ۱۶ شهر دیگر نیز برای شرکت در این کوهپیمایی دعوت به عمل آمده بود. کوهپیمایان به طرف کوه "جاقل" حرکت کرده و آنرا فتح نمودند. جمعاً ۱۲۰۰ نفر زن و مرد کوهنورد در آن شرکت داشتند. تعداد ۱۰۰۰ نفر آنان را زنان و مردان کوهنورد شهر سقز و ۲۰۰ نفر دیگر از استانهای آذربایجان غربی، کرمانشاه، همدان و تهران حضور داشتند.

درگذشت دو نفر از آشنایان کومه له در سقز

بنا به خبری که از شهر سقز به دستمان رسیده خانم فرانک حامدی خواهر پیشمرگ جانباخته کومه له "رسول حامدی که در زندانهای جمهوری اسلامی اعدام گردید"، روز چهارشنبه ۱۲ آذر بر اثر تصادف به شدت زخمی شده و به بیمارستان انتقال داده شد و متأسفانه وی به دلیل شدت جراحات روز جمعه ۱۴ آذر فوت نموده است. قابل ذکر است که نامبرده کارمند آزمایشگاه مهر در سقز بود. ما مراتب تسلیت خود را به خانواده و دوستان و آشنایانشان ابراز میداریم و خود را در غم و اندوه آنان شریک میدانیم.

بنا به خبری دیگر از سقز روز چهارشنبه ۱۲ آذر، کاک علی حامدی که کارمند بازنشسته آموزش و پرورش بود فوت نموده است. شایان ذکر است که کاک علی از اشخاص خوشنام و مورد اطمینان مردم سقز بود و از نزدیک با کومه له آشنایی داشت. ما مراتب تسلیت خود را به خانواده و بستگانشان عرض مینماییم.

۱. عبدالله مهتدی:

Abdulla.mohtadi@komala.org

۲. رضا کعبی:

r.kaabi@komala.org

۳. سیامک (ابوبکر) مدرسی:

s.modarresi@komala.org

۴. فاروق بابامیری:

f.babamiri@komala.org

۵. بهمن علیار:

Bahman.a@komala.org

مرگ یک کارگر در دیواندره

بنا به خبری که از دیواندره به دستمان رسیده، چند روز پیش هنگامی که یکی از کارگران شهرداری دیواندره در داخل شهر مشغول کار بود توسط یکی از کامیونهای که متعلق به خود شهرداری است زیر گرفته می شود و متأسفانه جان خود را در این حادثه از دست می دهد.

نا امنی محل کار و وضعیت وخیم زندگی کارگران در کردستان هرروزه موجب بروز حوادث ناگواری در محلهای کار میگردد، بطوریکه امنیت جانی و مالی کارگران کردستان به طور کامل در معرض خطر قرار دارد. همزمان رژیم مذهبی ایران نیز به هیچ وجه عملاً پشتیبان و مدافع حقوق کارگران و زحمتکشانشان بخصوص در کردستان نبوده و نمیباشد.

درگذشت برادر یکی از رفقای پیشمرگ کومه له

بنا به خبری که از کامیاران به دستمان رسیده، در تاریخ ۸/۸/۸۲ دو جوان به نامهای هادی میدانی ۲۷ ساله و فرخ جوانمردی ۳۰ ساله ساکن روستای هندیمن در حالی که یک خودرو سایپا همراه داشتند بر اثر تصادف با یک ماشین سنگین تریلی در جاده دزفول_کرمانشاه جان خود را از دست می دهند. قابل ذکر است که هادی میدانی برادر رفیق گرامی ما رشاد میدانی می باشد. ما مراتب تسلیت خود را به رفیق رشاد میدانی و خانواده و بستگانشان ابراز میداریم و خود را در غم و اندوه آنان شریک میدانیم.

پیش به سوی تشکیل یک جبهه متحد دمکراسی برای ایران



سو تغذیه کودکان در ایران



به گزارش خبرگزاریها رئیس انستیتوی تحقیقات تغذیه و صنایع غذایی در ایران اعلام داشته است که بیش از ۵۰ درصد مرگ و میر کودکان در این کشور از سو تغذیه ناشی میشود. بنا به همین گزارش بیماریهایی که از سو تغذیه و کمبود انرژی و پروتئین ناشی میشود، خطر مرگ کودکان را تا ۱۰ برابر افزایش داده است. همچنین حدود ۱۰ درصد کودکان در رده سنی زیر ۵ سال دچار سو تغذیه ناشی از کمبود پروتئین و انرژی هستند، ۲۰ درصد کودکان شش ساله و نوجوانان ۱۵ تا ۱۹ ساله نیز کمبود پروتئین دارند.

اعتصاب کارگران کارخانه

نخواب فیروزان تبریز

به گزارش خبرگزاریها، کارگران کارخانه نخواب فیروزان تبریز يك سال است که حقوق دریافت نکرده اند. تعدادی از آنها مجبور شدند به محل کارخانه نقل مکان کنند و در آنجا زندگی کنند. این کارخانه که به بخش خصوصی واگذار شده، به خاطر مدیریت فاسد از کار باز ایستاده است. ۱۷۰ کارگر این کارخانه، از چند روز پیش با آتش زدن لاستیک اتومبیل در کنار جاده تهران - میانه، اعتراض خودشان را به نمایش گذاشتند. کارگران معتقدند که قبلاً وضع این کارخانه بسیار خوب بود اما مدیران کارخانه در يك کارخانه پارچه بافی در دبی سرمایه گذاری کرده و مشغول انتقال اموال این کارخانه به آنجا می باشند.

اخبار ایران



بیکاری کارگران در کارخانه های مازندران

با تعطیلی سه واحد تولیدی در مازندران بیش از ۵۰۰ کارگر شغل در این واحدها بیکار شدند. به گزارش سرویس کارگری ایلنا، شرکت ریسندگی کل، کولر گازی ایران و دستمال سازی حریر قائم شهر سه واحدی هستند که به دلایل متعددی از جمله سوء مدیریت و خصوصی سازی دچار رکود شده و تعطیل گردیده اند. بنابراین گزارش، واحد تولیدی کولر گازی ایران و حریر قائم شهر که به ترتیب تحت پوشش بانک صنعت و معدن و شرکت سرمایه گذاری سازمان بازنشستگی هستند به دلیل مشکلات مدیریتی، مشکلات مالی و عدم فروش محصولات تعطیل و دهها کارگر از کار بیکار شدند. کولر گازی ایران که تاچندی پیش یکی از واحد های موفق استان محسوب می شد، از دو سال پیش توسط بانک صنعت و معدن به بخش خصوصی واگذار شد و مدیران جدید شرکت با تحت فشار قرار دادن کارگران قدیمی و جایگزینی کارگران پیمانی، زمینه تعطیلی کارخانه را فراهم ساختند. حریر قائم شهر نیز همین سرنوشت را پیدا کرد و سرانجام شرکت ریسندگی کل با سابقه کمتر از ۱۰ سال و علیرغم داشتن ماشین آلات مجهز و مدرن، به دلایل مختلفی از جمله ناکارآمدی مدیریت، در ماه گذشته تعطیل و ۱۵۰ کارگر بلا تکلیف شدند.

دریا بیگی نماینده کارگران مازندران با اظهار تاسف از تعطیلی این واحد نساجی، گفت: تشکیلات کارگری، آمادگی دارد با حمایت مسئولان، این واحد را مجددا راه اندازی نماید. وی تصریح کرد: اگر تولید موکت و نخ مقرون به صرفه نیست، کارفرما می توانست با تقاضا از شورای عالی کار، طرح تغییر ساختار را در این واحد اجرا کند و پس از راه اندازی دوباره، کارگران را مجددا بکار گیرد.

تحصن کارگران

بخش فنی و تولید کشاورزی کارخانه قند یاسوج



کارگران معترض و متحصن علت تحصن و عدم حضور در محل کار را اعتراض به سوء مدیریت کارخانه قند اعلام کردند و گفتند تا مدیرعامل کارخانه تعویض نشود حاضر به سر کار رفتن نیستند. معترضین عمده دلایل اعتراض و تعطیلی کار خود را نقش لالای ایفاء نمودن مدیر کارخانه در دو مورد معامله و اخذ حق دلالی برای خرید و فروش، ایجاد رعب و وحشت و از بین بردن اعتماد به کارگران و تهدید افراد به اخراج و اقدام به آن در چندین مورد، رواج فرهنگ غیر اخلاقی، استفاده شخصی از تمامی امکانات کارخانه، عدم ایجاد عدالت در پرداخت حقوق و مزایا و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در احکام کارگزینی و دستور پرداخت حق اضافه کاری در حد بالا برای افراد دلخواه خود که هیچ گونه کار مثبتی برای شرکت انجام نمی دهند، تقسیم منازل مسکونی به طور دلخواه خویش «»

ادامه به دنبال کشتار ...

خسارات گسترده ای وارد نمودند. گفته می شود که مردم به چند بانک نیز حمله برده و بعد از ضبط اسکناسهای پول آنها را به آتش کشیده و یا خسارات گسترده ای وارد نمودند. مردم سپس برای جویای حال زخمی شده ها بسوی بیمارستان شهر حرکت کردند. درگیری گسترده ای در اطراف بیمارستان بین مردم و نیروهای انتظامی رخ می دهد که در آن نیز تعدادی از مردم کشته و زخمی می شوند.

نیروی انتظامی نیز با شلیک گلوله در حدود ۱۵ نفر را به قتل رسانده و بیش از ۵۰ نفر را زخمی کردند. ۲ نفر از نظامیان نیز کشته شده اند. درگیری از ساعت ۸ تا ۱۴ ظهر ادامه داشته است. بیش از ۱۰۰ نفر توسط اطلاعات و سپاه دستگیر که از وضعیت آنها اطلاعی در دست نیست. بیشتر کشته شدگان از مردم بازار و جوانان می باشند. عصر روز پنجشنبه نیروهای انتظامی، ارتش و سپاه پاسداران کنترل شهر را بدست گرفتند و در شهر حکومت نظامی اعلام کردند.

ما کشتار مردم سراوان و جنایت نیروهای انتظامی را به شدت محکوم میکنیم و وحشیگریهای رژیم نسبت به مردم باید مورد اعتراض گسترده قرار گیرد.

ادامه تحصن کارگران یاسوج

و رعایت نکردن عدالت و ضوابط در توزیع این منازل و واگذاری تعدادی از این منازل به نهادها و داویر دولتی، عدم پرداخت مزایای ۴۰ درصد ایام تعطیلی کاری، نامشخص بودن مبالغی از حقوق و مزایا کارگران که بعنوان صندوق رفاه کارگران در فیش حقوقی کسر گردیده و هیچ خبری از صندوق فوق وجود ندارد، اعلام نمودند.

زنده باد سوسیالیسم



در حالیکه حاکمان ایران پس از افزایش فشارهای بین‌المللی و به دنبال اقدامات دیپلماتیک گسترده اعلام کرده بودند که پروتکل الحاقی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را خواهند پذیرفت و فرایند غنی‌سازی اورانیوم را به طور موقت متوقف خواهند ساخت، اما طی هفته گذشته نیز ایران همچنان در امضای پروتکل الحاقی که طبق آن به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجازه بازرسی‌های سرزده از تاسیسات هسته‌ای ایران را میدهد، تعلل ورزید و همین امر مقامات آژانس را بر آن داشت تا اعلام کنند که اگر ایران تا یک هفته دیگر این قرارداد را امضا نکند نشان دهنده وضعیت هشدار دهنده‌ای خواهد بود.

در همین حال محمد البرادعی رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز ضمن هشدار در زمینه ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد اعلام کرد که قطعنامه هیئت رئیسه آژانس توضیح داده است که در صورت مشاهده تخلفات جدید از سوی ایران پرونده هسته‌ای این کشور به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع میشود که پیامدهای اقتصادی در پی خواهد داشت و این به معنای ورود ایران به مرحله رودرویی کامل با جامعه جهانی خواهد بود.

در همین حال ایران طی هفته گذشته همچنان از سوی مجامع و محافل بین‌المللی به دلیل نقض آشکار حقوق بشر و اعمال سانسور و نقض آزادی عقیده و بیان تحت فشار قرار داشت. در همین رابطه انجمن قلم طی بیانیه پایانی کنگره سالانه خود با اعتراض نسبت به سانسور اینترنت و بسته شدن سایتها، خواستار آزادی روزنامه نگاران در ایران شد. پن بین‌المللی در این قطعنامه ضمن اعتراض نسبت به پرونده خانم زهرا

کاظمی و عامل اصلی به قتل رسیدن این خبرنگار ایرانی تبار کانادایی نیز از مباحث مطرح در عرصه قضایی ایران محسوب می‌شد. آخرین گزارشهای منتشره در این رابطه حاکی از آن بود که در پی فشارها به مرتضوی پس از صدور قطعنامه سازمان ملل علیه ایران که توسط کانادا تدوین شده و در آن تصویب شده بود که دادستانی بی‌طرف در تهران مستقر شود، شخصی به نام بخشی که همواره متهم بوده که عامل مرگ زهرا کاظمی است از سوی دستگاه قضایی دستگیر شده است. این شخص همواره از سوی مجامع داخلی وابسته به اصلاح طلب متهم بوده که در هنگام بازداشت غیر قانونی زهرا کاظمی با ضرب و شتم وی باعث

ایران طی هفته گذشته همچنان از سوی مجامع و محافل بین‌المللی به دلیل نقض آشکار حقوق بشر و اعمال سانسور و نقض آزادی عقیده و بیان تحت فشار قرار گرفت

حدود ۵ سال از فاجعه قتل روشنفکران و دگراندیشان ایرانی توسط عاملین وزارت اطلاعات میگذرد و در حالیکه رژیم تمامی تلاش خود را برای جلوگیری از رسیدگی شفاف به این پرونده و معرفی عاملین و آمرین آن به کار گرفته است، طی هفته گذشته جمع کثیری از فعالان فرهنگی ایران با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کردند که در مراسم پنجمین سالگرد قتل محمد مختاری و محمد جعفر پوینده، جانباختگان راه آزادی اندیشه و بیان شرکت خواهند کرد و همگان را نیز به شرکت در این مراسم دعوت کردند. در قسمتی از این اطلاعیه آمده بود که پنج سال از فاجعه قتل محمد مختاری و محمد جعفر پوینده، دو انسان مبارز، اندیشمند، شاعر، نویسنده و مترجم و منتقد اجتماعی بدست واپسگرایان سیاه اندیش گذشت ولی همچنان پرونده این جنایتها بی‌سرانجام مانده و در پرده‌ای از ابهام و سکوت فرو رفته است.

علاوه بر این موضوع مرگ زهرا کاظمی و عامل اصلی به قتل رسیدن این خبرنگار ایرانی تبار کانادایی نیز از مباحث مطرح در عرصه قضایی ایران محسوب می‌شد. آخرین گزارشهای منتشره در این رابطه حاکی از آن بود که در پی فشارها به مرتضوی پس از صدور قطعنامه سازمان ملل علیه ایران که توسط کانادا تدوین شده و در آن تصویب شده بود که دادستانی بی‌طرف در تهران مستقر شود، شخصی به نام بخشی که همواره متهم بوده که عامل مرگ زهرا کاظمی است از سوی دستگاه قضایی دستگیر شده است. این شخص همواره از سوی مجامع داخلی وابسته به اصلاح طلب متهم بوده که در هنگام بازداشت غیر قانونی زهرا کاظمی با ضرب و شتم وی باعث

انتخابات قرار داشت. با این حال و علی‌رغم نگرانیهای شدید اصلاح طلبان و بویژه محمد خاتمی از امکان رد صلاحیت بسیاری از نامزدهای انتخاباتی وابسته به این جناح، اما همچنان به منظور مشروعیت بخشیدن به نظام جمهوری اسلامی مردم را به پای صندوقهای رای فراخوانده و عدم حضور مردم در انتخابات را راه حل رفع مشکلات نمی‌دانست.

با این حال و در حالیکه تمامی قرائن و اظهار نظرها سخنگویان شورای نگهبان و دیگر مقامات وابسته به جناح محافظه کار رژیم حاکی از تنگتر شدن دایره انتخابات در این دوره بود و در حالیکه اظهار نظرهای کلی در هفته‌های اخیر حول محور اهمیت به مراتب بیشتر انتخابات مجلس هفتم نسبت به دوره‌های قبلی و نیاز به حضور مردم در پای صندوقهای رای بود، اولین کنگره سراسری مجمع روحانیون مبارز در اردوگاه باهنر برگزار شد. گزارشها حاکی از آن بود که علاوه بر اعضای شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز و تعدادی از نمایندگان مجلس، دبیر کل جبهه مشارکت، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب همبستگی نیز در این مراسم حضور داشتند.

برگزاری کنگره مجمع روحانیون مبارز که محمد خاتمی و مهدی کروبی نیز از اعضای شاخص آن هستند و اولین کنگره سراسری است که از زمان قبل از انتخابات پیشین برگزار شده بدون تردید در شرایط کنونی و در حالیکه جناحهای رژیم در آستانه انتخابات مجلس هفتم پای در عرصه جدیدی از رقابتهای جناحی گذاشته‌اند، اقداماتی است برای هماهنگ کردن اقدامات شماری از روحانیون پرنفوذ در جمهوری اسلامی برای حضور فعال‌تر در عرصه انتخابات و ایجاد یکپارچگی بیشتر در ائتلاف دوم خرداد.



گرامی باد ۱۶ آذر روز دانشجویان

سالار پاشایی

سازماندهی شده‌اند. کنترل شدید امورات دانشجویان دختر و پسر و توهین و بیحرمتی حراست و کمیته‌های انضباطی، وضعیت نامناسب خوابگاه‌ها و غذا و خدمات، تلاشهایی هستند در به قفس تبدیل نمودن دانشگاهها برای دانشجویان. مافیای روحانیت حاکم بدینگونه قشر تحصیل کرده و متخصص جامعه را آماج حملات سرکوبگرانه قرار داده و هم اکنون دانشجویان آزادیخواه بیشمار در زندانهای جمهوری اسلامی زیر شکنجه قرار دارند بطوریکه سرنوشتشان برای خانواده‌هایشان نیز مشخص نیست. آری این است پاداش روشنفکری و عدالتخواهی در ایران.

جنبش دانشجویی در تاریخ پرفراز و نشیب معاصر ایران، مهر واقعی و مشخص خود را بر وقایع سیاسی برجای گذاشته است. اما از ضعف هم بی بری نبوده که لازم است در این خصوص به نکاتی اشاره نمایم. جنبش دانشجویی کماکان از عدم انسجامی یک دست در سطح وسیع و عدم وجود تشکیلاتی قوی جهت کانالیزه کردن هر حرکتی، رنج میبرد.

با آگاهی به اینکه جنبش دانشجویی علی رغم نکات ضعف و قوت خود، جنبشی خود آگاه و خودجوش به شمار می‌آید و آنچه در کنار دیگر دستاوردها باید بر آن تاکید بیشتری شود، استراتژی روشن و استفاده از تاکتیکهای مشخص در برابر استبداد مذهبی حاکم است. لزوم تکوین بلوغ فکری جنبش دانشجویی در این دوره و اتخاذ روشهای دموکراتیک و مدنی در بطن اعتراضات دانشجویی وظیفه‌ایست جدی و با توجه به اینکه جنبش دانشجویی به عنوان بخشی از جنبش عمومی و انقلابی مردم ایران به شمار می‌رود، باید با دیگر جنبشهای اجتماعی حاضر در عرصه پیوندی و نزدیکی عمیقتری برقرار نماید. معلمان، دانش آموزان و کارگران قشرهایی هستند که لازم است جنبش دانشجویی پیوسته با آنان در ارتباط بوده و مکمل و تقویت کننده جنبش عمومی در ایران باشد. مرزبندی کامل با نهادهای دانشجویی زرد و دولتی و نقد پیگیر آنان نیز به جهت جلوگیری از به انحراف کشاندن ... «۸

به رغم تمامی تلاشهای سرکوبگرانه سالهای گذشته و به رغم وضعیت بحرانی و فجیع جامعه ایران، اما دانشگاه کماکان سنگر آزادیخواهی باقی مانده و دانشجویان با صلابت هرچه بیشتر به عرصه مبارزات سیاسی آمده و خواسته‌هایشان را مطرح مینمایند.

امروز در حالی ۱۶ آذر را گرامی میداریم که جنبش دانشجویی بر متن اعتراضات مردمی و دیگر حرکتهای اجتماعی در طول چند سال گذشته و علی رغم سرکوبگریهای رژیم، گام به گام جلوتر آمده و به مثابه وزنه‌ی سیاسی توانسته که استبداد حاکم را در مقاطع مختلف به چالش بطلبد. جنبش دانشجویی بعد از پشت سر نهادن یک دوره رکود و سستی و زیر تاثیر قرار گرفتن مقطعی افکار اصلاح طلبی، بار دیگر سر برآورده و امروز بیشتر از همیشه نوک تیز حمله خود را متوجه پایه‌های اساسی ارتجاع حاکم گردانیده است.



از سوی دیگر استبداد مذهبی حاکم نیز در مقابل زبانی غیر از سرکوب نشناخته و نماد شدت گرفتن موج سرکوبهای خونین دانشجویان را میتوانیم درحمله به کوی دانشگاه تهران در تیرماه ۷۸ و خردادماه امسال مشاهده نمایم. دستگیریهایی وسیع، شکنجه، زندان و سیاه چال و حبسهای طولی مدت پیوسته ادامه داشته است. کوچکترین صدای اعتراض دانشجویان توسط لباس شخصیهایی بی‌هویت چنان وحشیانه سرکوب شده که عصر بربریت را در یادها زنده کرده‌اند. انصار حزب‌الله و اطلاعاتیهایی پیرو رهبر و خاتمی در کنار مزدوران و خائنان به مردم در اوج قساوت و ددمنشی به عنوان نیروهای متلاشی کننده جنبش دانشجویی

تاریخ درخشان جنبش دانشجویی در ایران مملو از به صحنه آمدن حرکتهای آزادیخواهانه جنبش دانشجویی ایران در مقاطع مختلف زمانی است. ۱۶ آذر ورقه زین و حماسه‌ای به یاد ماندنی از این تاریخ است که سمبل مقاومت و انقلابیگری دانشجویان ایران به شمار میرود. اولین جرقه‌های جنبش اعتراضی دانشجویی حدود ۶۰ سال پیش در واکنش به خفقان حاکم زده شد و به درازای بیش از نیم قرن کماکان تاکنون ادامه داشته است. جنبش دانشجویی در جامعه رنج دیده ایران که در این مدت از همیشه بیشتر غرق در استبداد سیاه و خفقانهای سیاسی بوده، به مثابه شمع فروزانی در عرصه سیاسی، پرتو افکن افکار چپ و مترقی و آزادیخواهانه بوده است.

روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ به دنبال کودتای ۲۸ مرداد و تجدید دوباره استبداد ستم شاهی، شاهد به صحنه آمدن مردم و تظاهرات عمومی بود که در راس آن دانشجویان دانشگاه تهران نقش اساسی را در اعتراض به وضع موجود ایفا نمودند. در این روز حکومت ستم شاهی که چشم دیدن هیچ نوع مخالفتی را نداشت، دستور حمله به دانشجویان دانشگاه تهران را صادر نمود، با حمله نیروهای سرکوبگر ستم شاهی به دانشگاه، دانشجویان به خیابانها ریختند و خیابانهای اطراف دانشگاه به صحنه تظاهرات و مقاومت بر ضد استبداد میدل گشت. سران دولتی با مشاهده وضع بیرحمانه دستور به گلوله بستن صفوف دانشجویان معترض را صادر نموده و در این حرکت وحشیانه سه دانشجو به نامهای مهدی شریعت‌رضوی، مصطفی بزرگ‌نیا و احمد قندچی در خون خود غلتیدند و جان خود را از دست دادند و جمع کثیری نیز زخمی و دستگیر و روانه شکنجه گاههای ساواک شدند.

با ریخته شدن خون دانشجویان بیگناه از آن روز به بعد ۱۶ آذر مظهر مقاومت دانشجویی در برابر ظلم و خفقان حاکم و تداعی کننده اعتراضات وسیع دانشجویی در ایران میباشد. چه حکومت ستم شاهی و چه تاریک پرستان نظام مذهبی کنونی در طول بیش از نیم قرن گذشته همیشه دانشجویان را سرکوب و در صدد بوده‌اند که دانشگاه را به جولانگاه ارتجاع و خرافه پرستی تبدیل نمایند.

ایرانی فدرا تپو، کردستانی فدرال



متحدانه انتخابات مجلس هفتم را تحریم کنیم

وریا محمدی

است که استبداد و دیکتاتوری لجام کسبخته ، سرکوب، خفقان، شکنجه، زندان، اعدام در ملا عام ، وحشت و هراس دائمی از هجوم هر آن سربازان امام زمان و کشتار سعبانه ی توده ها را نه تنها متوقف، بلکه حتی کاهش دهد، تردید در تحریم انتخابات خطایی غیر قابل بخشش است.

اگر استدلال اخیر اصلاح طلبان در تشویق مردم و فریفتن دوباره آنها ، جهت شرکت مجدد در انتخابات این است که در صورت عدم حضور فرمیستهای اسلامی در مجلس، قدرت مطلق در دست انحصار طلبان خواهد بود ، پرسشی که در مقابل ایشان مطرح میگردد این است که در عرض ۲۵ سال گذشته مگر کس دیگری غیر از انحصار طلبان قدرت اجرایی را در دست داشته است؟ یا اینکه در طول ۶ سال اخیر دست آنان برای جنایت و چپاول بسته بوده که امروز دلهره ی قاریان پروتستانیسیم اسلامی این شده است که مبادا دستشان باز گردد؟

رژیم سیاسی ایران با اتکا به محدودیت های انتخاب شوندهگان، ساختارهای کهنه، قوانین ضد دموکراتیک و تیغ خشن نظارت استصوابی شورای نگهبان، تنها و تنها با سو استفاده به خدمت گرفتن و پنهان شدن پشت شعارهای بی پشتوانه و مفاهیم سیاسی مدرن همانند انتخابات آزاد ، دموکراسی و ... به دور از محتوای واقعی و بنیادی آن ، برای کسب مشروعیت و تحکیم استبداد دینی به خیال خود بهره برده، در عین حال که غافل از آن است کوس رسوایی حکومت مذهبی و دستگاه حکمرانی شیعه، زده شده است.

عدم شرکت در انتخابات موجب بی اعتباری هر چه بیشتر رژیم، افزایش نفرت عمومی نسبت به آن و اعمال فشارهای جهانی برای سر فرود آوردن در مقابل خواستهای مردم و توسعه ی آزادیهای سیاسی اجتماعی است. تحریم انتخابات آینده تنها اعتراض به غیر دموکراتیک بودن فضای برگزاری آن نیست، تحریم انتخابات به معنای لایزال از جرح از جمهوری قرون وسطایی و عقب مانده اسلامیست. تحریم انتخابات اعتراض به اختیارت نامحدود و لایتنهای جانشینان خدا بر روی سرزمینی به نام ایران است.

تحریم انتخابات، فریاد مردمی است که از دست عدم اجرای قوانین انسانی و دموکراتیک از سوی رژیمی که حکومت کردن را در شیوه های ملوک الطوایفی سازمانها و نهادهای موازی، ائمه های نماز جمعه، قضات دادسراهای انقلاب اسلامی، روحانیون پر نفوذ و تاراجگران ثروت مردم

مدتهاست که تبلیغات برای انتخابات فرمایشی هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی به راه افتاده است. میخواهند بار دگر مردم دلخسته و منزجر از دستگاه دیکتاتوری دینی در ایران را فریب داده و به پای صندوقهای رای بکشانند. انتخاباتی که در پیش است به لحاظ مختلفی با سایر انتخابات تا کنونی در تفاوت است. اصلاح طلبان شکست خورده و نا امید، نظامیان، چفیه به گردنهای ولایت فقیه ، بسیجیها، پلیس، مسولان صدا و سیما، مخلصان نظام اسلامی که برای روز مبادا نگاه داشته شده اند، باندهای علنی و مخفی محافظه کاران و اکثریت قریب به اتفاق نیروهای دولت سایه خیزهای بلندی برای تسخیر کرسیهای مجلس هفتم برداشته اند.

رژیم سیاسی ایران انتخابات آتی مجلس اسلامی را که قرار است در اسفند ماه امسال برگزار نماید به منوال معمول در فضایی غیر دموکراتیک و غیر آزاد و در عین حال بسته تر از پیش به انجام خواهد رساند. به همین جهت در ضرورت تحریم همه جانبه آن تردیدی نیست و باید اصل تحریم شرکت در انتخابات دوره هفتم مجلس شورای اسلامی را در فضای سیاسی جامعه ایرانی مسلط نمود.

در جامعه ای که مردم آن ۲۵ سال، دروغگوئی و نیرنگ و دسیسه های مختلف مسئولین تراز اول جامعه اش را تجربه نموده و با وجود شرکت گسترده در انتخاباتهای متعدد و شنیدن وعده های تو خالی و بدون محتوای روحانیون و آیت الله های حاکم و نامزدهای احراز پستهای گوناگون ، حاصلی جز فقر و فلاکت و بدبختی عظیم ندیده اند، تا جایی که ۱۰ میلیون نفر از افراد این جامعه به گواه آمار رسمی زیر خط فقر به سر میبرند. در جامعه ای که با معضل يك میلیون و دویست هزار نفری زنان و دختران خیابانی روبروست، در جامعه ای که هفت میلیون از افراد آن با بیماریهای حاد روانی مواجهه اند، در جامعه ای که بیش از هشتصد هزار کودک کار در آن موجود است، در جامعه ای که در آن به گواه آمار از چهار میلیون بیکار آن دو میلیون نفرشان معتادند، در جامعه ای که امنیت شهروندان بی معناست، روشنفکران و نخبگان جامعه را به خودی و غیر خودی تقسیم میکنند، فرار و مهاجرت مغزهای جامعه را دامن میزنند و چپاول و غارتگری بی رویه و بی شرمانه ثروت و سامان جامعه و شهروندان به دست باندهای عریض و طویل مافیایی امری روزمره است و بالاخره در جامعه ای که هیچ انتخاباتی تا کنون در آن موجب نشده

ادامه گرامی یاد ۱۶ آذر ...

جنبش و لوٹ کردن حرکتیهای اعتراضی از واجبات این دوره است. در ۱۶ آذرماه امسال و در پنجاهمین سالگردش، با گرامی داشتن یاد و خاطره تمامی دانشجویان آزادیخواهی که به جرم آزاد اندیشی و عدالتخواهی در خون خود غلتیدند و به سان گل پرپر شدند و همگی دانشجویانی که هم اینک در شکنجه گاههای دیکتاتوری حاکم تحت شکنجه های غیر انسانی بسر میبرند، تمامی مقاومت های سالهای گذشته دانشجویی را ارج مینهیم. هم اکنون وظیفه دیگر دانشجویان غیور و آزادیخواه دانشگاهها است که جنبش دانشجویی را به مرحله ای جدید ارتقا داده و سنگر آزادمنشی و دمکراسی خواهی را از همیشه بیشتر محکم نمایند. ۱۶ آذر باید به روز فوران و رستاخیز خواستهای سرکوب شده دانشجویان آزادیخواه تبدیل شود، به جریان افتادن سیل خروشان جنبش دانشجویی در این روز در راستای نیل به امیدها و آرزوهای دیرین، عشق به استقلال و عدالت خواهی به هدف پیروزی جنبش عمومی و فراگیر مردم در برابر ارتجاع هار و سیاه حاکم بر ایران.

ایران دنبال میکند، به تنگ آمده است. تحریم انتخابات، یعنی اعتراض به زیر پا نهادن حقوق افراد، استبداد موجود و دیکتاتوری لجام گسیخته حاکم. بازتاب اراده مردم بر تحریم انتخابات و مردود شمردن انتخابات نمایشی دور هفتم مجلس اسلامی، به طور قطع در ابعاد جهانی به سود جنبش مردمی خواهد بود و پیکر فرسوده دیکتاتوری مذهبی در ایران را فرتوت تر و نحیف تر خواهد کرد. نواخته شدن طبل رسوایی جمهوری اسلامی با تحریم انتخابات مجلس هفتم ، عاملی شتاب دهنده به جنبش آزادیخواهانه مردم ایران خواهد بود و به همان اندازه نیز قادر خواهد بود که پروسه فرو پاشی این رژیم را تسریع نماید.

سرنگون باد رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی ایران